رئیس باشگاه رشد استعدادهای هنری و ادبی جوان در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

دنبال راه‌اندازی سینماهای دانشگاه آزاد هستیم

ابوالفضل مظاهری
دبیرگروه دانشگاه

باشگاه رشد استعدادهای هنری و ادبی جوان مجموعه جدیدی در دل معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد شد تا بخشی دیگر از چرخه فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه را تکمیل کند. باشگاه رشد قرار است استعدادهای هنری دانشگاه آزاد را در حوزه‌های مختلف کشف و با برگزاری کارگاه‌های مختلف تبدیل به عناصر فعال هنرمندی کند که با استفاده از توان گسترده دانشگاه در سراسر کشور می‌توانند چهره‌های جدید فرهنگی کشور شوند. مسئولیت هدایت این باشگاه از دی ماه به عباس محمدی سپرده شد. او پیش از این مدیر مرکز آفرینش‌های ادبی، مدیر مرکز موسیقی حوزه هنری و سرپرست حوزه هنری کودک و نوجوان بوده و در روزهای اخیر هم به عنوان رئیس کمیته داوران سومین جشنواره رشد منصوب شد. محمدی چندی پیش در گفت‌وگو با «فرهیختگان» ابعاد مختلف فعالیت باشگاه رشد دانشگاه آزاد را تشریح کرده که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید.

واقعیت این است که ما خیلی کم از باشگاه می‌دانیم. به‌نظر می‌رسد در تقسیم کار حوزه فرهنگی دانشگاه، مسئولیت بخش آموزش برعهده باشگاه گذاشته شده است اما به‌هرحال اطلاعات ما از آنچه تا امروز اتفاق افتاده بسیار محدود است. از فلسفه آن شروع کنید؛ باشگاه رشد استعدادهای معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی قرار است چه خلأهایی را پر کند؟

قرار است در باشگاه رشد استعدادهای ادبی و هنری جوان، استعدادیابی کنیم و استعدادهایی را که وجود دارند براساس ظرفیت‌های دانشگاه و ظرفیتی که در استعدادها وجود دارد و نهادینه است، شناسایی کنیم و دوره‌های مهارت‌افزایی داشته باشیم تا ایشان را رشد دهیم و استعدادها را شکوفا کرده و به سرانجام برسانیم. ساختاری که پیش‌تر بوده، صرفا جشنواره‌ای برخورد می‌شده است. البته خیلی جاها همین ساختار جشنواره‌ای وجود دارد، هیچ منعی ندارد و خیلی هم خوب است و خاصیت دارد، اما مشکل از آنجا شروع می‌شود که بعد از جشنواره این استعدادها رها می‌شوند. الان به یاری خدا و پشتوانه ساختار دانشگاه آزاد و تفکری که در ساختار و مدیریت آن وجود دارد، قرار است پس از شناسایی استعدادها در جشنواره، این همراهی شکل گیرد که دوستان بتوانند استعداد خود را علاوه‌بر شکوفا کردن به سرانجام برسانند و مهم‌تر از آن دیده شوند. درکنار دیده شدن از لحاظ معیشت بتوانند محل ارتزاق‌شان باشد، هرچند نگاه در ایران این است که «رفیقان هر یک آوردند از سودای خود سودی/ زیان‌آورده من بودم که دنبال هنر رفتم» و خیلی‌ها این نگاه که سعدی می‌گوید: «هنرمند هر جا رود بر صدر نشیند و قدر بیند» را باور ندارند. باید بپذیریم که این وضعیت هست، شاید فراگیر باشد و شامل همه شغل‌ها و اصناف مختلف این رویکرد شود. از آنجا که هنرمندان آدم‌های حساسی هستند و روحیه لطیفی دارند، شاید بیشتر آزرده‌خاطر می‌شوند و بیشتر هم بروز می‌دهند. اما اینکه صرفا باشگاه رشد عهده‌دار آموزش باشد خیر، بلکه قرار است با یاری خداوند متعال فعالیت‌های راهبردی در بحث کشف استعداد، آموزش، شبکه‌سازی و اقتصاد هنر را توأمان فعال کنیم، یعنی در باشگاه بر پایه استعدادیابی، قرار است مهارت‌افزایی شکل گیرد. علاوه بر این قرار است شبکه‌سازی صورت گیرد که دوستان هنرمند با توجه به ساختار هنری که دارند درکنار هم گروه‌های هنری تشکیل دهند که منجر به خروجی شود. نکته مهم این است که در دوره‌های مهارتی ما رویکرد، محصول‌محور باشد و صرفا آموزش نظری نباشد. اصطلاحی در موسیقی هست تحت عنوان «کارعمل» و هنرجوی موسیقی هر جلسه باید با سازش تمرین کند و خروجی را تحویل دهد، در ساختار هنرهای دیگر قرار است این مهارت‌افزایی شکل گیرد و فردی که مهارتی دارد با استادان شاخص مهارتش پرورش یابد و به آفرینش اثر هنری بینجامد. دیگر اینکه بسته به جایگاهی که هنرجو دارد، سنجه‌ای صورت می‌گیرد و پس از تقسیم‌بندی، هنرجو در یکی از دوره‌های مقدماتی، پیشرفته و تکمیلی قرار می‌گیرد و به مسیرش ادامه می‌دهد. پس از پایان دوره براساس آثار تولیدشده و نظر استاد دوره مشورتی برای هنرجو خواهیم داشت، مثلا کسی که در دوره داستان‌نویسی شرکت می‌کند، استادی که سالیان سال تجربه دارد، براساس دانشی که نسبت به عناصر و شیوه داستان‌نویسی دارد، توصیه می‌کند که آقا یا خانم هنرجو به درد فیلمنامه‌نویسی یا یادداشت‌نویسی یا حتی ناداستان و... می‌خورد. بنابراین سعی می‌کنیم دوره‌ها را به‌گونه‌ای طراحی کنیم که خروجی آن مفید باشد و درکنار بحث شبکه‌سازی، چهره‌سازی هم خواهیم داشت. امروز دانشگاه آزاد یک‌میلیون و ۲۵۰ هزار دانشجو دارد. علاوه‌بر آن کارکنان و استادان دانشگاه هم هستند که خیلی از آنان در رشته‌های هنری فعالیت دارند و چهره‌های شاخصی هم هستند اما در عرصه دانشگاه ناشناخته مانده‌اند و فضایی برای عرضه هنر ایشان ایجاد نشده است. به‌فرض آقای عباس احمدی جزء چهره‌های شاخص شعر هستند و در زمینه شعر طنز هم فعالیت دارند اما در دانشگاه آزاد به‌صورت فراگیر شناخته‌شده نیستند. قرار است در این زمینه با کمک رسانه‌ها و به‌ویژه روزنامه «فرهیختگان» و بازوهای دیگر خبررسانی دانشگاه این چهره‌سازی‌ها را صورت دهیم. برخی استادان دانشگاه آزاد هستند که در همین فرآیند برگزاری جشنواره و همایش‌ها با آنها آشنا شده‌ایم. البته خارج از دانشگاه شناخته‌شده هستند اما ما اطلاع نداشتیم که اینها در دانشگاه آزاد هستند. این فقر اطلاعاتی راجع‌به سرمایه‌ای که وجود دارد، به‌خصوص سرمایه‌های هنری باید رفع شود. دیگر اینکه قرار است نیرویی که با برگزاری دوره‌ها پرورش داده می‌شود در خدمت خود باشگاه و دانشگاه قرار گیرد و درکنار تجربه‌اندوزی به استعدادهای نوپای دیگر مددرسانی کند. اگر کسی در دوره‌های مهارتی یا در جشنواره‌ای که برگزار می‌کنیم، برتر شناخته شود، در ساختار اجرایی یا شورای انتخاب جشنواره درکنار دیگر بزرگان در بحث داوری آثار قرار می‌گیرد. در دوره‌های بعدی هم می‌تواند دبیر اجرایی یا دبیر علمی جشنواره شود. در بحث تجربه‌آموزی و درکنار دوره‌های مهارتی سازوکاری پیش‌بینی شده که خروجی‌هایی که تولید می‌شوند ازجمله برخی آثار هنری فاخر یعنی کارهایی که مقبول طبع عام باشند- چون یکی از صافی‌های ما مردم هستند که باید آنها را بپذیرند- در ساختار نمایشگاهی ارائه می‌شوند و بحث فروش آثار را خواهیم داشت. در ادامه به‌دنبال مجوز و راه‌اندازی سینماهای دانشگاه آزاد هم هستیم.

از سرمایه‌ها و ظرفیت‌های دانشگاه در حوزه هنر گفتید. طبیعتا پیش از هر اقدامی تا رصد خوب و شناخت درستی از ظرفیت‌ها و امکانات دانشگاه اتفاق نیفتد، شاید نتوان برنامه‌ریزی درست و منسجمی هم داشت. شما در این حوزه کار خاصی انجام داده‌اید؟

آمار را دو جور می‌توانیم به‌دست آوریم؛ یک براساس ظرفیت‌های موجود و صرفا با تکیه بر تعداد دانشجویان دانشکده‌های هنر در رشته‌های مختلف و دیگری از طریق رابطانی است که واحدها به‌عنوان نماینده معرفی کردند. از طریق این بزرگواران و از طریق معاونت‌های فرهنگی واحدها ما خواستیم چهره‌های شاخص‌شان در زمینه‌های مختلف را به ما معرفی کنند. همچنان اطلاعات کسب می‌کنیم و راستی‌آزمایی‌ها صورت می‌گیرد. الان اگر بخواهیم درباره دانشجویان هنری که وجود دارند، صحبت کنیم، در تهران مرکز به اندازه سه، چهار لشکر نیروی زمینی پیاده دانشجو در دانشگاه هنر داریم.

قرار است مخاطب اصلی باشگاه، بچه‌های دانشکده هنر باشند؟

مخاطب ما هنرمند به‌شکل عام در دانشگاه آزاد است، یعنی کلا دانشجویان دانشگاه آزاد که به هنر علاقه‌مندند مخاطب باشگاه رشد محسوب می‌شوند، ولی بالطبع کسانی که علاقه دارند و به‌شکل حرفه‌ای علاقه خود را دنبال می‌کنند، افرادی هستند که دانشجوی هنرند و ما سعی داریم نگاه ویژه‌ای به آنان داشته باشیم.

تعداد دانشجویان هنر الان چقدر است؟

آمار دقیق در ذهنم نیست. ۹ دانشکده هنر داریم که تهران جنوب، تهران مرکزی، علوم‌وتحقیقات، نجف‌آباد، یزد، تهران غرب، تنکابن، یادگار امام و اراک را شامل می‌شوند. برخی صرفا یک یا دو رشته هنری دارند و بعضی واحدها مثل تهران مرکزی تقریبا تمامی رشته‌های هنری را دارند و تنوع بیشتری را شامل می‌شوند و حتی تمرکزشان روی برخی رشته‌ها به‌خصوص در بحث سینما و نمایش است و تعداد دانشجویانش هم قابل‌مقایسه نیست. در موسیقی البته همین‌طور است. شاید استادانی که به دانشگاه دعوت شده‌اند در این مساله موثر باشند، شاید هم قدمت دانشگاه در جذب دانشجو تاثیر داشته است.

در برنامه‌ریزی‌ها این ۹ دانشکده اولویت‌های بالاتری می‌گیرند؟

سعی می‌کنیم جایی که تراکم جمعیت بیشتری دارد تمرکز کنیم. به فرض واحد علوم‌وتحقیقات نزدیک به ۴۵ تا ۵۰ هزار دانشجو دارد و قطعا می‌توان روی آن سرمایه‌گذاری کرد. نجف‌آباد هم واحدی مستقل با تراکم جمعیتی بالاست.

پس در شروع کار سراغ دانشگاه‌های پرجمعیت می‌روید؟

نگاه ویژه‌ای به دانشکده‌های هنر داریم و این بدیهی است. در دل دانشکده علوم‌وتحقیقات، دانشکده هنری هم داریم. در نجف‌آباد و تهران مرکزی هم این‌طور است. در ساختاری که دارند، هم تعداد ظرفیت نیروی انسانی‌اش بالاست و هم شاخه‌های هنری فعال و رشته‌های هنری درحال تدریس هستند و این به ما کمک می‌کند اما هدف غایی‌مان جایی است که تراکم جمعیت بالاتری دارد، چون امکان کشف استعدادهای بیشتری وجود دارد.

مخاطبان برخی جشنواره‌های دانشگاه آزاد صرفا دانشجویان نیستند. شاید ابتکار دانشگاه آزاد باشد که مثلا در جشنواره صنایع خلاق می‌بینیم استاتید یا کارکنان دانشگاه هم امکان ظهور و بروز پیدا کرده‌اند. در باشگاه رشد، آیا جامعه مخاطبان کارکنان یا استادان را شامل می‌شود؟

بله، ما این اتفاق را رقم خواهیم زد. درست است که مخاطب هدف ما جامعه دانشجویی است اما با گفت‌وگوهایی که به‌خصوص با دفتر توانمندسازی صورت گرفته برای همکاران و استادان علاقه‌مند به هنر نیز فضای فعالیت را فراهم می‌کنیم و شاید به سمت گعده یا پاتوق پیش برویم، حتی به خانواده دانشگاهیان فکر کرده‌ایم که البته زمانبر است. در سال‌های اول و دوم شاید به این سمت نرویم و هر وقت به نقطه تثبیت رسیدیم به آن جهت برویم و به خانواده‌های دانشگاهیان خدمات ارائه دهیم. با توجه به ظرفیتی که از استادان دارند و فضای فیزیکی و محتوا، چه بهتر که بتوانیم به بیرون از ساختار دانشجویی یعنی خانواده دانشگاهیان هم خدمات برسانیم. این نیاز حس می‌شود و خیلی از اینها شاید بیرون از ساختار دانشگاه دنبال دوره‌های مهارتی باشند و شرکت در این دوره‌ها در خود دانشگاه قطعا در خانواده‌ها به‌دلیل اطمینان خاطری که دارند موثرتر خواهد بود.

ساختار باشگاه را تشریح کنید، اینکه چه بخش‌هایی در این ساختار درنظر گرفتید و چه کسانی درحال‌حاضر با باشگاه همکاری دارند. پیش‌تر شنیدیم که برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در این فضا توسط یک هیات‌علمی و هنری از افراد متخصص صورت می‌پذیرد.

شورای سیاستگذاری یا خردجمعی پشت این داستان است. از طرفی خود ساختار باشگاه به شکلی است بزرگوارانی که در خدمت‌شان هستیم شاعر و نویسنده‌اند و در عرصه سینما به‌عنوان تهیه‌کننده یا مجری طرح، سال‌هاست فعالیت دارند. ما با ساختاری از پیش تعیین‌شده آمدیم و مستقر شدیم اما با توجه به اینکه در این ساختار فعالیتی قرار است تغییراتی ایجاد شود، جانمایی‌ها در ساختار انجام خواهد شد و فعلا در این ساختار دو شاخه فعالیتی داریم. بنابراین جانمایی‌ها هنوز به شکل کاملش انجام نشده اما در دو شاخه فعالیت‌ها طرح‌ریزی شده است. بحث دوره‌های مهارتی و فضای نمایش و رسانه‌ای خود باشگاه و هنرهای تصویری شامل سینما و نمایش است. درکنار این ما یک‌سری تفاهمنامه‌هایی با خارج از ساختار دانشگاه داریم که از حوزه هنری تا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درحال انجام‌شان هستند. با خود ساختار درون‌سازمانی هم یک‌سری تفاهمنامه‌ها در دست اقدام است، ازجمله دفتر توانمندسازی که قرار است با این جمع

ادامه در صفحه ۵

همکاری و همراهی داشته باشیم و با روزنامه «فرهیختگان» هم همین‌طور.

حضور در استان‌ها را به چه شکل دنبال می‌کنید؟

راجع‌به بحث نمایندگی‌ها در استان‌هایی که شما فرمودید، قرار شده که ما امسال در شش ماهه نخست، یعنی همزمان که آغاز دوره‌ها را خواهیم داشت؛ ۱۰ تا ۲۰ دفتر جانمایی خواهیم کرد که این براساس ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود انجام خواهد شد.

محل‌های آنها مشخص شده است؟

نه، ما یک‌سری شاخص‌ها را درنظر گرفتیم که براساس آنها دوستان درحال انجام پایش‌ها هستند و قرار است گزارش دهند و براساس آنها تصمیم‌سازی خواهد شد که ابتدا به ساکن به‌صورت آزمایشی در کدام مناطق و استان‌ها این دفاتر شکل گیرند. قرار است خیلی از کارهایی که ما در مرکز انجام می‌دهیم، همزمان در این واحدها و نمایندگی‌ها با نظارت باشگاه و شیوه‌نامه‌های آن انجام شود. نکته اینکه دفتر نمایندگی که قطعا دفتر نمایندگی باشگاه خواهد بود اما خود جغرافیا، ظرفیت‌ها، تعداد دانشجو و استادهای مستقر در استان یا استان‌های همجوار بر برنامه‌ریزی ما تاثیر خواهند داشت که به چه شکل کار را در دوره‌های اول پیش ببریم. تاکنون بحث دوره‌های مهارتی نهایی شد که به‌صورت کارگاه ویژه خواهد بود.

باید چه زمانی منتظر آغاز دوره‌ها و حرکت‌های باشگاه در واحدهای مختلف باشیم؟

درباره سرفصل بعضی از دوره‌ها با استادان صحبت شده و سرفصل‌ها طرح‌ریزی شده‌اند. براساس ظرفیت‌های موجود ذائقه‌سنجی انجام دادیم و براساس آن دوره‌هایی را پیش‌بینی کردیم اما درحال به‌روزرسانی و کامل‌تر کردن آنها هستیم. سعی می‌کنیم ۱۰ دوره مهارتی را برگزار کنیم. بخشی از اینها در زمینه ادبیات خواهد بود. چنانکه گفته شد قرار شده است بازه ۶ ماهه اول صرف برگزاری و راه‌اندازی دفاتر شود.

می‌توان گفت که در نیمسال دوم سال تحصیلی باید منتظر آغاز فعالیت باشیم؟

البته ما یک‌سری از اینها را همزمان با آغاز سال تحصیلی شروع خواهیم کرد، ولی اینکه پنج یا ۱۰ دوره همزمان را بخواهیم به‌صورت کامل پیش ببریم، این را ان‌شاءالله نیمه‌دوم سال خواهیم داشت و طبق تقویم اجرایی ما نیمه‌دوم سال دوره‌ها و یک‌سری جشنواره‌ها را خواهیم داشت. ازجمله جشنواره نمایش که ویژه دانشجویان رشته ادبیات نمایشی خواهد بود. بخشی جشنواره شعر و داستان خواهد بود و دومین جشنواره کارتون را خواهیم داشت. اینها پیش‌بینی‌های ماست و بدیهی است تامین بودجه و اینکه چقدر محقق و عملیاتی خواهد شد در این اقدامات موثر است.

در رابطه با موضوعاتی که باشگاه روی آن کار می‌کند و تصمیمی می‌گیرد و حداقل در فاز اول می‌خواهد روی آنها سرمایه‌گذاری کند، توضیح دهید. عمدتا در آموزش هنر، یک‌سری رشته‌های به‌خصوص مثل موسیقی و تئاتر پاشنه‌آشیل هستند یا حساسیت‌های ویژه‌ای در فضای دانشگاه نسبت به آنها وجود دارد. این دو، سه حوزه مشخص هنری عمدتا حساسیت‌زا بوده‌اند. هدف‌گذاری شما برای رشته‌ها چگونه اتفاق افتاده؟ چه رشته‌هایی را انتخاب کرده‌اید و چرا؟ گفتید بحث پرورش استعدادها در حوزه نمایش یا موسیقی را مدنظر دارید. چگونه می‌خواهید حساسیت‌های این حوزه‌ها را مدیریت کنید؟

با دوستان که برنامه‌ریزی می‌کردیم، اولین رشته‌های هنری‌ای که سراغ‌شان رفتیم موسیقی، سینما، نمایش و ادبیات به‌ویژه ادبیات داستانی بود. اینها جذابیت‌های زیادی دارند.

اینها چهار رشته‌ای هستند که در فاز اول به آنها خواهید پرداخت؟

نه، ما درکنار اینها هنرهای تجسمی را خواهیم داشت که شاخه‌های مختلفی دارند؛ از نقاشی بگیرید تا عکاسی و آثار حجم و امروزه هنرهای تلفیقی در بحث تجسمی زیاد شده مثل نقاشی خط و گرافیک و از این دست رشته‌ها که ما روی آنها کار خواهیم کرد. اما الان از هنرهایی که مردم به آن اقبال بالایی دارند، یکی سینماست. شاید از دلایل اینکه در جامعه ایرانی اقبال نسبت به کتاب کم شده همین هنرهای دیداری یا شنیداری باشد. از آن طرف ما کتاب‌های صوتی یا گویا نیز داریم که بخشی از فرهنگ مصرفی ما و سرانه فرهنگی شده‌اند. به این خاطر ما سعی کردیم به اینها نگاه ویژه‌ای داشته باشیم که نه موسیقی امروز و دیروز بلکه امیدوارم که موسیقی فردا چالش‌هایش کمتر باشد. فضای دوگانه‌ای به وجود آمده که ریشه در اختلافات نگاه فقهی دارد. برخی دوستان به خاطر آن نوع نگاه ما را برحذر می‌دارند اما اگر بخواهیم به‌عنوان یک راه‌کنش به موسیقی نگاه کنیم قطعا به‌عنوان کسی که مرجع تقلید است و نگاه اجتماعی و سیاسی درستی به خیلی از مسائل دارد، نگاه رهبر فرزانه ما به‌عنوان معیار، متفاوت است. با این نگاه به موسیقی و موسیقی فاخر و حتی برگزاری و اجرای صحنه‌ای (یا به‌اصطلاح عام کنسرت)، موسیقی فاخر باید تولید و بلیت‌فروشی شود و منعی‌ای در کار نیست. مشکلات به این صورت حل خواهد شد. از طرف دیگر نکته مهمی که وجود دارد در عرصه هنر گردش مالی این دو رشته خیلی بیشتر از بقیه رشته‌هاست. در حوزه نمایش اکثر کشورهای دنیا حمایت مالی را پشت خود دارند. ما تئاترهای به‌اصطلاح لاکچری داریم که خیلی از دوستان نمایشی یا تئاتری آن را نمایش اصیل نمی‌دانند و بیشتر بحث اقتصادی و تعقیب‌کننده‌های آن بوده است. اصطلاح غربی آن نگاه شوونیسم است اما من می‌گویم همین که یک نمایش حتی با پسوند تجاری یا به اصطلاح عام‌تر لاکچری، موفق شده که جذب خیلی خاصی از مخاطبان داشته باشد، خوب است و موفق شدند. به این واسطه جمعیت مخاطب خاکستری که شاید سال‌های سال اصلا تئاتر نمی‌رفتند را پای نمایش بنشانند و با قیمت‌های آنچنانی به سالن تئاتر بکشانند، یک کارکرد است. شاید مخاطب نسبت به نمایش اصیل اقبال ویژه‌ای نداشته باشد، همان‌طور که در آواز ایرانی‌مان حوصله مخاطب امروز شکل آواز امروزی را بطلبد و به همین جهت بخشی از آن وارد موسیقی تلفیقی شده است و موسیقی‌ای که استفاده می‌شود، موسیقی اصیل و سرزمین ما نباشد. درعین‌حال آمدند بخشی را روی آن سوار کردند و به مخاطب ارائه می‌دهند، چون بخش زیادی از مخاطب امروز نه آشنایی با موسیقی اصیل دارد و نه ذائقه‌اش آن را می‌طلبد، چون روی آن کار نشده و ذائقه‌ها کم‌کم به سمت دیگری رفته، بنابراین مخاطب امروز با این فضاها آشنا نیست. ما باید دریچه‌ای باز کنیم و اینها بتوانند با هنر ما آشنا شوند و اگر همه دریچه‌ها از سوی ما بسته شوند -البته که امروز هیچ دریچه‌ای روی مخاطب بسته نیست- او سراغ بدل‌ها می‌رود و شاید حالا عنوان بدل هم درست نباشد و مخاطب سراغ جایگزین‌های متفاوت می‌رود که با سنت‌ها، فرهنگ و سبک زندگی ما همخوانی ندارند. وقتی که مخاطب با آنها اخت پیدا کرد، دیگر نمی‌توانیم خیلی اینها را به فضایی که دلخواه ماست، برگردانیم. در دوره‌ای کسانی که متولد دهه‌های ۵۰ و ۶۰ بودند، خوراک موسیقی اینها تقریبا اواخر دهه ۶۰ شاید از آن طرف تامین می‌شد و بعد از یک برهه‌ای که آقای استاد علی معلم دامغانی در مرکز یا دفتر موسیقی صداوسیما مستقر شدند و استاد شهبازی و دیگران آمدند، فضا به شکلی پیش رفت که امثال محمد اصفهانی، فواد حجازی، علیرضا عصار و علیرضا قربانی و از این دست خوانندگان آمدند. اینها ابتدا از صداهای آن طرف برای جلب توجه تقلید می‌کردند اما کم‌کم آنقدر در بحث تنظیم و فضاهایی که اجرا شد، به‌روز شدند که ساختار موسیقی مسیر دیگری را رفت و به‌نظرم مسیر درستی بود و مخاطب خاص خودش را به‌وجود آورد و مخاطب از آن نوع موسیقی که حرفی برای گفتن نداشت و تهی بود، روی‌گردان شد و به موسیقی داخلی رو آورد و رنگ و بوی موسیقی مردمی یا پاپ ایرانی را اینجا می‌شد دید که از اواخر دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شروع شده بود و درقالب ترانه‌ها شکل گرفت. نقطه اوجش آن دوره‌ای بود که کم‌کم با نگاه‌هایی که به‌وجود آمد و با بستن فضا، خودبه‌خود مردم دوباره به آن موسیقی بیگانه پناه بردند، اما اوج آن در روزگاری است که ما در خدمت شما هستیم. الان بخشی از بدنه نوجوان ما دست به دامن این شده‌اند که بروند زبان کره‌ای بیاموزند و این از آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ماست که صورت‌مساله موسیقی را پاک کرده‌اند و موسیقی پاپ کره‌ای جولان می‌دهد. از یک جایی مسئولان فرهنگی باید تصمیم بگیرند که برای حفظ اصالت‌ها و ریشه‌ها و بازگشت به سنت -اینجا نه به آن معنی لفظی که در کلمه است- باید به بحث موسیقی به‌عنوان یکی از بحث‌های مهم توجه شود. ضرورت دارد که روی این حوزه‌ها کار شود اما اینکه براساس اینکه چه ضرورتی دانشگاه آزاد به این حوزه ورود کند، بحث دیگری است. حوزه هنری یا مجموعه‌های دیگر و دفاتر صداوسیما که در حوزه موسیقی یا نمایش مشغول فعالیت هستند که برخی در حوزه آموزش نیز فعالند. مجموعه‌های آموزشی هم کم نداریم. اینکه چرا دانشگاه آزاد به این حوزه‌ها ورود و باشگاه استعداد تاسیس کند و کار آموزشی در این حوزه انجام دهد یک مساله است و مساله دیگری اینکه خروجی مطلوب باشگاه رشد استعدادهای دانشگاه آزاد قرار است چه باشد؟ عنوانی که دکتر جهان‌بین هم گفتند تربیت هنرمند مومن انقلابی، یعنی تربیت نیروی انسانی هنرمند مومن انقلابی. هویت ایرانی-اسلامی و عنصر خانواده برایش مهم باشد. کسی باشد که در راستای ارزش‌های ایران اسلامی قدم بردارد، یعنی اگر اثر هنری خلق می‌کند، آفرینش هنری او در این راستا باشد و به آن بحث تمدنی گذشته و امروز و فردا نگاه ویژه داشته باشد و بتواند ساختار بنیان‌سازی تشکیل دهد که البته این آرمانی است. خیلی از آثار هنری نگاه تمدنی یا فراتمدنی است و خود یک اثر می‌تواند به شکلی عمیق بر چند دهه یا حتی نسل‌های متفاوت اثرگذار باشد. نگاه ما این است و امیدواریم بتوانیم به آن دست یابیم، هرچند دشوار است اما با برنامه‌ریزی درست، دقیق و کشف استعدادهای خاص و سرمایه‌گذاری درست و دقیق، شدنی است. یک‌سری مسائل هست که اینها باید خارج از این ساختار حل شود که صرفا هزینه‌ای که دارد می‌شود به چشم هزینه‌کرد در بحث هنر نباید دید. این یک سرمایه‌گذاری است، یعنی شما برای پرورش نیروی انسانی مناسب و اثرگذار قطعا باید سرمایه‌گذاری کنید. شما گفتید ما این همه فرهنگسرا داریم که دارند دوره برگزار می‌کنند. ما حتی آموزشگاه‌های هنری خاص هم داریم. برخی هم چند ده میلیون پرداخت می‌کنند دوره‌های بازیگری متعددی را در یک کارگاه خاص بگذرانند تا نقش کوتاهی در فلان سریال داشته باشند. دانشجویی که در دانشگاه آزاد رشته سینما خوانده و هزینه کرده، به‌صورت علمی دوره‌هایش را گذرانده، بنابراین باید فرصتی برایش فراهم شود. سرانه فضایی که دانشگاه دارد حدود هزار و ۲۰۰ فضای فیزیکی شامل سالن‌های آمفی‌تئاتر که مناسب برگزاری فعالیت‌های فرهنگی است که ما می‌خواهیم از این تعداد حدود صد فضا شامل سینما، اجرای صحنه‌ای تئاتر و اجرای نمایشگاهی در اختیار دانشجویان‌مان قرار گیرد. از آن طرف دنبال کسب مجوزهایی هستیم که نمایش فیلم‌های سینمایی موجود و آثار دانشجویی را در بسته‌های پنج، شش‌تایی داشته باشیم. الان هم مرسوم است که تعدادی فیلم کوتاه از لحاظ محتوایی همخوان به‌صورت بسته نمایش می‌دهند. امیدوارم ما هم نمایش دانشجویی داشته باشیم و بستری برای ظهور و بروز دانشجویان ایجاد کنیم که دانشجویان کارهای هم‌دانشگاهی‌شان را ببینند. ان‌شاءالله جشنواره دانشجویی راه خواهیم انداخت و به‌عنوان تبلیغات پس از نمایش فیلم‌هایی که وجود خواهند داشت، فیلم‌های کوتاه را در تالارهای نمایش‌مان پخش خواهیم کرد.

تصور من این است که همان‌طور که در حوزه کشاورزی یا بعضی حوزه‌های دیگر دانشگاه سرای نوآوری در نظر گرفته شده که دانشجویان درکنار علم‌آموزی به‌صورت کاربردی، کارکرد علم را هم یاد بگیرند و اگر ایده‌ای دارند به منصه ظهور برسانند یا در همکاری با دانشگاه روی پرورش آن فضا هم کار کنند، باشگاه استعدادهای دانشگاه آزاد هم به دنبال این است که در حوزه هنر چنین کاری را انجام دهد.

ما از فیلم کوتاه شروع می‌کنیم و ان‌شاءالله به فیلم‌های بلند و داستانی هم خواهیم رسید؛ حتی به مجموعه‌های نمایشی هم فکر کردیم و دنبال این هستیم که رایزنی کنیم. مقدماتش انجام شده و امیدواریم بتوانیم برای شبکه خانگی تولیداتی داشته باشیم. در سازوکاری که برای دوره‌ها دیده شده، در ساختاری که هست، علاوه‌بر مهارت‌آموزی، تجربه‌اندوزی هم دوستان خواهند داشت که این اتفاق به شکل واقعی‌اش در دنیای بیرون دارد می‌افتد؛ مثلا در عرصه نمایش ما داریم که فلان شخص به‌عنوان دستیار یا تدوینگر یا... درکنار فلان چهره سینمایی که کارگردان شناخته‌شده‌ای است، کار آموخته و الان خودش جزء فیلمسازان مطرح است و دو سریال هم کار کرده. این اتفاق قرار است در بحث شبکه‌سازی بیفتد و یک بخش آن هم بحث اقتصاد هنر است که ما داریم به آن توجه می‌کنیم و قرار است این دوستان را وارد بازار کار کنیم، یعنی در چهره‌سازی که بخشی از آن داخلی است، بخشی از آن بیرونی خواهد بود و آنها را وارد داوری جشنواره‌های متفاوت خواهیم کرد. آثارشان را در جشنواره‌های مختلف داخلی و بین‌المللی شرکت خواهیم داد.

در واقع باشگاه به‌نوعی پیوند‌دهنده دانشجویان هنر با جامعه هنری خواهد بود؟

نه‌تنها دانشجویان هنر، بلکه دانشجویان هنرمند. می‌خواهیم این فرصت را برایشان ایجاد کنیم و البته یک‌سری جاها باید نگاه ساختاری دانشگاه در برنامه‌هایی که داریم پیش می‌بریم، تعدیل شود. شما اشاره داشتید که این دوره‌های مهارت‌افزایی چه ضرورتی دارند، خیلی از دوستان می‌آیند و به‌صورت تجربی و نظری سرکلاس حضور دارند ولی قرار است که ما درکنار این دوستان روی جهان‌بینی و نگاه اینها هم در دوره‌های مهارتی کار کنیم و اینها را با استادان طرازاولی پیوند بزنیم که جهان‌بینی‌شان با نقطه آرمانی‌ای که مدنظر ایران اسلامی هست، بسیار نزدیک است و اگر کاری هم تولید کردند، در همین راستا بوده و خودشان هم ثابت کرده‌اند که از طیف‌های مختلف سیاسی هم نگاه قابل احترامی به این بزرگواران وجود دارد، یعنی صرفا نگاه ما نگاهی نیست که بگوییم وابسته یا رسانه فلان جناح هستند. کما اینکه در خود دانشگاه هم این نگاه سیاسی وجود ندارد ولی یک ضرورت است و این ظرفیت که قرار است ما در اختیار دانشجویان رشته‌های هنر و دانشجویان هنرمند قرار دهیم بیرون برایشان فراهم نیست؛ همان‌طور که الان در رشته‌های تحصیلات تکمیلی مختلف در دانشگاه‌های روزانه یا دیگر دانشگاه‌ها می‌بینید، معمولا اقبال‌شان به سمت دانشجویان خودشان است. در عرصه هنر هم خواه‌ناخواه این اتفاق دارد می‌افتد، نه به آن شدت، ولی به صورت کم و بیش وجود دارد و نکته مهم‌تر از آن بحث شبکه‌سازی بود که ابتدای عرایضم گفتم. یک جایی باید به‌عنوان - نه حالا یک شکل صنفی - اما به شکلی باید وجود داشته باشد که همه بتوانند همدیگر را بشناسند و به‌عنوان حامی و پشتیبان کنار یکدیگر باشند و همدیگر را رشد دهند و حتی بعد از فارغ‌التحصیلی هم ببینند که پشتوانه عظیم هنری دارند که از اینها حمایت می‌کند و این اتفاق اگر شکل بگیرد، اتفاقی مبارک است، یعنی حمایت بدنه هنری از آثار هنری در عرصه‌های متفاوت یک اتفاق مبارکی است که پشتوانه محکمی برای راهبرد کارهایی که ما درنظر گرفتیم می‌تواند باشد، به‌ویژه برای دانشجویانی که از این دانشگاه و باشگاه بیرون خواهند رفت. مخلص کلام اینکه ساختار جهان‌بینی سبب رشد هنرمند و آفرینش‌های او و به دنبال آن ماندگاری آثارش خواهد بود و از سطحی‌نگری فاصله خواهد گرفت. هدف این است که این دانشجویان بعد از قطع همکاری با دانشگاه از لحاظ تحصیلی همچنان از لحاظ هنری همکاری داشته باشند. ما دانشجویان فارغ‌التحصیلی داریم که در عرصه‌های مختلف هنری سرآمدند اما امروز هیچ همکاری‌ای با دانشگاه ندارند.

خروجی باشگاه را باید چگونه دید و ارزیابی کرد؟ محاسبه کردن و سنجش آن چگونه است؟

نقطه‌گذاری‌هایی که ما داشتیم چند مورد است. بخشی از آن راجع‌به شیوه کیفی جشنواره‌هاست که برگزار خواهیم کرد و نوع خروجی و محصولاتی که خواهیم داشت. دوم درباره چهره‌سازی نیروهاست. سوم راجع‌به محصولاتی است که این هنرمندان تولید می‌کنند. چهارم هم بحث اقتصاد هنر یا بازار کاری است که قرار است هنرمندان وارد آن شوند یا ما واردش شویم، ازجمله برگزاری نمایشگاه‌ها و نمایش فیلم و تولید فیلم و نمایش و نمایشنامه و محصولات هنری دیگر. حتی ما به فرآیندی فکر کردیم که اگر داستان‌نویسی آمد کتابش را هم ما چاپ کنیم و بعد به ترجمه آن و به صوتی‌کردن این آثار هم فکر کردیم و به پیوندهایی که در بحث کارافزارها (پلتفرم) وجود دارد، در بحث فروش این آثار هم فکر کردیم که عایدی آن هم برای باشگاه و دانشگاه و هم خود خالق اثر باشد، یعنی به مساله حق نشر (کپی‌رایت) و مالکیت معنوی هم توجه کردیم که رعایت شود. شکل خاصی را درنظر گرفتیم تا ببینیم خدا چه می‌خواهد و چقدر این هدف‌گذاری‌ها اجرایی هستند و چقدر ساختار هنری و دانشگاه می‌توانند در این قالب و قاعده بگنجند.

من بعضا در رصد سایت‌های دانشگاه خارجی می‌بینم که به چه شکل اتفاقات مختلف هنری را برنامه‌ریزی می‌کنند؛ از برگزاری گالری و نمایشگاه‌های آثار تولیدی بچه‌های دانشگاه تا حتی نمایش‌های صحنه‌ای که بعضا در محیط خود دانشگاه برگزار می‌شود. ما این اتفاقات را در فضای دانشگاه داخلی خیلی کمرنگ داریم. نگاه شما به‌عنوان فردی صاحب‌نظر در عرصه هنر، چگونه است و به نظر شما هنر چقدر در محیط دانشگاه قابل جریان است؟

این فرآیند بسیار مورد استقبال قرار خواهد گرفت.

چرا پس تا الان این را نداشتیم؟

نداشتن آن به خاطر عدم برنامه‌ریزی و ممانعت‌هایی است که خواه‌ناخواه وجود داشته و ساختارهایی که مانع ایجاد می‌کردند یا شاید هم بخش زیاد آن به این مربوط باشد که کسی اصلا به این مساله فکر نکرده. مثلا در رشته نمایش در دوره کرونا کسانی بودند که سه سال، یعنی شش ترم درس خواندند و صحنه را از نزدیک ندیدند، خب این جای تاسف دارد و وقتی شرایط این‌طوری پیش رود، قطعا افراد فکر می‌کنند که این ساختار به من اجازه نمی‌دهد یک نمایش دانشجویی تولید کنم یا در دانشکده خودم آن را به اجرا ببرم یا بلیت‌فروشی دانشجویی داشته باشم یا هماهنگ کنم در تهران پنج شش دانشگاه دیگر با سالن‌ها و شرایط اجرایی که دارند، اجرای من را داشته باشند و ببینند. ما به این سازوکار فکر کردیم و دنبال تفاهمنامه داخلی با دانشگاه هستیم که مجوزها را به ما بدهند و ما براساس تعهدی که ایجاد می‌کنیم، گروه‌های نمایشی که هستند، چنانچه موردتایید و بازبینی قرار گیرند، این امکان را برایشان فراهم کنیم که بتوانند درآمدزایی داشته باشند.

یعنی گروه‌های نمایشی در واحدهای مختلف اجرا خواهند داشت؟

دست‌کم در بحث دانشجویی است. درکنار این تفاهمنامه‌هایی با ارشاد داریم پیش می‌بریم که یکی از آنها در بحث هنرهای نمایشی است که می‌خواهیم از فضا و سرانه محیطی که در بیرون از دانشگاه وجود دارد و به صورت عام است، در این تفاهمنامه بتوانیم بهره‌مند شویم و نمایش‌هایی را که در خروجی، اول تا سوم شدند، در یکی دو تا از تالارهای نمایشی که زیر نظر ارشاد است، به اجرای عمومی بگذاریم و بلیت‌فروشی عمومی داشته باشند. می‌خواهیم این فضا برای دانشجویان هم به وجود بیاید. دانشجو نسبت به فیلم کوتاه یا نمایش اقبال دارد، چون دانشجویان فرصت زیادی دارند. در محیط‌های دانشگاهی مختلف به چشم دیده‌ام که برخی دانشجویان پرسه می‌زنند و برنامه خاصی برای ساعت‌های خالی‌شان ندارند. به جای اینها دانشجو می‌تواند کار مفیدی انجام دهد و از هنر هم‌دانشگاهی یا هم‌گروهی‌اش حمایت کند؛ چه‌بسا خودشان به این فضا علاقه‌مند شوند و خود اینها نفرات بعدی شرکت‌کننده در دوره‌ها باشند. این بستری است که قرار است ما برای دوستان فراهم کنیم. درباره موسیقی هم این فکر شده اما با توجه به آن نگاهی که وجود دارد، هنوز امکان برگزاری در عرصه موسیقی به وجود نیامده است. یکی از بحث‌های درآمدزایی ما این بود که امکان برگزاری کنسرت بیرون را می‌دادند. در بحث سینما هم ما می‌توانیم فروش داشته باشیم. اگر تفاهمنامه تا آن موقع به سرانجام برسد، ما برنامه‌ریزی خاصی برای بحث نمایشگاه‌های دانشجویی فجر یعنی جشنواره فجر خواهیم داشت.

یعنی سالن‌های مناسب دانشگاه آزاد محل اکران فیلم‌های دانشجویان خواهد بود؟

بله، که با یک تخفیف حداقلی بتوانند فیلم‌های جشنواره را نگاه کنند.

شما تا الان چند جشنواره در فضای باشگاه برگزار کردید؟

تا الان یک مسابقه کارتون دانشگاهیان دانشگاه آزاد بوده. در این مسابقه عنوان پیشنهادی را دکتر طهرانچی دادند که از بیانات و منویات رهبری گرفته شد. «دنیای غرب؛ پیشرفته در علم و فناوری، تهی‌دست در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی» موضوع ویژه و «آسیب‌ها و چالش‌های آزادی‌های فردی بدون توجه به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی» موضوع دوم بود. جشنواره ادبی پیشنهاد شد اما دیدیم بهترین چیزی که می‌تواند بازگوکننده این فضا باشد، تصویر است؛ چه تصویری بهتر از کارتون. موضوع ویژه ما این بود. موضوع دومی هم در تمدید فراخوان داشتیم که بحث تقابل آزادی‌های فردی در مقابل آزادی‌های اجتماعی بود که موضوع روز هم هست. در تمام دنیا مرسوم است که یک‌سری آزادی‌های اجتماعی هستند اما آزادی‌های فردی قرار نیست مقابل آزادی‌های اجتماعی بایستند و بر آزادی‌های اجتماعی گردن بنهند. بهترین عرصه همین عرصه کاریکاتور است که بیان کنیم و به تصویر بکشیم. رویکرد ما هم این بود که براساس موضوعات کار شود. رویکرد مهمی هم داشتیم که بتوانیم استعدادهای عرصه کارتون و کاریکاتور را شناسایی کنیم و تعداد نفرات بالای ۲۰۰ نفر بودند. مخاطبان هم فقط دانشجویان نبودند، بلکه دانشگاهیان دانشگاه آزاد شامل دانشجویان، استادان و کارکنان بودند. ما در گردآوری آثار به صورت مویرگی براساس نماینده‌هایی که معرفی کرده بودند، اقدام کردیم که اقبالی که توقع داشتیم، صورت نگرفت. بیش از ۲۰۰ نفر حدود ۵۰۰ اثر در این مسابقه ثبت کردند که ۲۰ درصد این آثار مطلوب بود.

فرآیند داوری هم اتفاق افتاد؟ هیات داوران چه کسانی بودند؟

بله، ما به واسطه اعلام فراخوان دبیر را شناسایی کردیم که آقای آرمان داودی آبکنار بودند که از چهره‌های شناخته‌شده عرصه کارتون و کاریکاتورند. ایشان قبول زحمت کردند و به‌عنوان دبیر این فضا را همراهی کردند و درکنار آن ما به واسطه ایشان و رابطه‌هایی که داشتیم، استاد بهمن عبدی را به‌عنوان داور داشتیم. همچنین استاد سیدمسعود شجاعی طباطبایی دیگر داور ما بودند و کیارش زندی هم که جزء جامعه دانشگاهی کارتون هستند سومین داور ما بودند که قبول زحمت کردند و آثار را دیدند. انتخاب هم صورت گرفته و قصد داریم اختتامیه مسابقه را در ماه‌های پیش رو برگزار کنیم. اطلاع‌رسانی آن هم باید دقیق و درست باشد. هدف‌گذاری کردیم و داریم برنامه‌ریزی می‌کنیم تا بعدا اطلاع‌رسانی صورت گیرد. این هم یک اتفاق مبارک بود که آقایان بهمن عبدی، سیدمسعود شجاعی طباطبایی و کیارش زندی با فضا و استعدادهای دانشگاه ارتباط گرفتند.

موضوع استعدادیابی که مدنظر شما بود، محقق شد؟

البته بنده که تخصصی ندارم و نگاهم ذوقی است اما در نشست داوری دیدم که یک‌سری آثار را فهرست کردند و گفتند در کارگاه یک‌روزه‌ای که همزمان با اختتامیه خواهد بود، از استعدادهای خاص دعوت کنیم؛ یعنی برخی آثار از لحاظ داوری مورد اقبال قرار نگرفتند اما نوع نگاه و اندیشه پشت آن قابل توجه بود و در نتیجه در جریان داوری، استعدادیابی هم شکل گرفته است. نفرات برتر هم جزء چهره‌های شاخص روز کارتون و کاریکاتور کشور هستند که در دانشگاه آزاد مشغول به تحصیل هستند و این هم اتفاق مبارکی بود که رخ داد.

پرونده اولین جشنواره کاریکاتور ماه مهر بسته خواهد شد؟

بله، ما قصد داریم دور دوم را هم سال ۱۴۰۳ برگزار کنیم و فراخوان آن را در همین سال خواهیم داد. ما درکنار آن، جشنواره عکس را هم خواهیم داشت.

از جشنواره‌هایی بگویید که امسال فراخوان آنها از سوی باشگاه منتشر خواهد شد.

منتشر شده. دومین جشنواره عکس هدایت توسط واحد دماوند برگزار می‌شود که بخش ویژه دانشجویی دانشجویان دانشگاه آزاد را باشگاه عهده‌دار است و هدف ما اینجا کشف استعدادهاست که بخش ویژه دانشجویی برای ما لحاظ کردند که خود باشگاه درکنار جشنواره خواهد بود. متولی خود جشنواره واحد دماوند است اما بخش ویژه‌اش را خود باشگاه قرار است همراهی کند. نکته اینجاست که ما در بحث برگزاری جشنواره از لحاظ کیفی در بحث داوری‌ها قطعا همراهی خواهیم کرد.

آن بحث هدف‌گذاری که گفتید کیفیت جشنواره‌ها را تامین می‌کند اینجا بروز و ظهور خواهد داشت؟

اینجا بحث شکلی برگزاری جشنواره و خروجی آن است و تلاش‌مان این است که آثار منتخب بتواند گستره مخاطب بیشتری پیدا کند و حتی کتاب عکس‌های برگزیده را هم خواهیم داشت.

زمان خاتمه این جشنواره مشخص است؟

بله، در فراخوان مشخص شده است. در ماه بهمن آیین اختتامیه را خواهیم داشت. با توجه به محدودیتی که دارد، ما سعی می‌کنیم یک کتاب آثار برگزیده را داشته باشیم. ضمنا نمایشگاه آثار را هم خواهیم داشت. اینها را برای مسابقه کارتون هم دیده بودیم اما چون خیلی محدود بود به کتاب و نمایشگاه نمی‌رسید، بنابراین فعلا چشم‌پوشی کردیم. درکنار جشنواره‌ها سعی می‌کنیم رویکرد آموزشی و کارگاه آموزشی را برای همه شرکت‌کنندگان و برگزیدگان داشته باشیم.

غیر از جشنواره عکس، جشنواره دیگری هم در حال اجرا دارید؟

فعلا خیر.

فراخوان آتی چه خواهد بود؟

جشنواره نمایش و شعر و داستان را خواهیم داشت.

جشنواره نمایش ویژه گروه‌های دانشجویی اهل تئاتر است؟

صرفا دانشجویان رشته ادبیات نمایشی در دو بخش اجرای صحنه‌ای و نمایشنامه‌نویسی.

با جشنواره تئاتر دانشجویی و برگزاری به صورت کشوری همپوشانی پیدا نمی‌کنند؟

تئاتر دانشجویی گمان نمی‌کنم دیگر باشد. مگر الان وجود دارد؟

چند وقتی است که وقفه افتاده و معلوم نیست که وزارت علوم می‌خواهد چه کار کند.

وزارت علوم که تعطیلش کرده و نمی‌دانم انجام بشود یا نه. ما با رایزنی‌هایی که داریم می‌کنیم، قصد داریم خروجی‌های اول تا سوم یا دست‌کم رتبه برتر این جشنواره ان‌شاءالله به جشنواره فجر راهیابی داشته باشند.

اگر به‌عنوان کلام پایانی نکته‌ای دارید که بفرمایید.

من فکر می‌کنم نکته آخری که باید بگویم این باشد که ما هدف‌های بزرگی برای باشگاه دیدیم و آرزوی بزرگی داریم. امیدواریم که خداوند متعال کمک کند و با همراهی و یاری دکتر طهرانچی بزرگوار و دکتر جهان‌بین عزیز ان‌شاءالله این اتفاقات مبارک شکل گیرد و مسیری برای آینده‌سازان این سرزمین باز شود تا در عرصه هنر بتوانند فعالیت کنند و آثار درخشانی بیافرینند.

ادامه از صفحه ۴